

پایان سرمایه داری خودگرا

برگردان: مرتضی مطیعی

هنر غالب بر تفکر قرن بیستم عبارت از وجود "سرمایه داری خودگرا" بود. دو اقتصاد دانی که بیش از همه به گسترش چنین تفکری کمک کردند یکی جان مینارد کینز (John M. Keynes) و دیگری جوزف شومپتر (J. Schumpeter) بود. هر دوی این اقتصاد دانان در برابر بحران تاریخی و بزرگ سرمایه داری که همین جنگ اول جهانی، بحران بزرگ (دهه ۱۹۳۰) و جنگ هم آشفته بود واکنش نشان میدادند. به دنبال یک سلسله حوادث و حتمات که جهان تا به آن روز <sup>تقریباً</sup> نرسیده بود و هر زمان با ظهور بریلی در نظام رقیب یعنی اتحاد شوروی، لازم بود سرمایه داری بعد از جنگ هم جهانی خود را چه از نظر ایگولوژی و چه مادی تحکیم نموده. از جهت نیاز مبرم ایگولوژیست، دو اقتصاد دانی که از همه موثرتر از همه از عمده های کار برآمدند کینز و شومپتر بودند - آن هم نه تنها به این دلیل که ایگولوژی اقتصادی بورژوازی را به بهترین شکل غایب نموده می کردند بلکه چون بر حسب تئوری غایب همان علم اقتصاد بورژوازی نیز بودند. محتمل این دو آنچه را آغاز کرده بود عبارت از لازم و اجبار نوعی سرمایه داری خودگرا، یا در اصل امید به این بود که لوازم چنین چیزی فراهم شوند.

اول به پردازیم به کینز. جان مینارد کینز مستقراً در برج عاج دانشگاه کمبریج و نظیر سرمایه داری خودگرا بود. او نه تنها اقتصادکار نظام رادیکال بوده بلکه اقتصاد دشت که می توان آنرا را از طریق هر دوست خودگرا مهار کرد. سنبل او این مسئله هم در روابط میان دولت و سرمایه داری صادق بود دریم در مورد مقررات و قوانین اقتصادکار درونی خود فرایند نباشت سرمایه. در جزوه "بایدار اقتصادیک صلح" (۱۹۱۹) او قرارداد صلح و مسای را به دلیل

غزات امر صحت و حیاتی که به همان شکت خورده محس میگرد به یاد نهاد گرفت چرا که به نظر اد، اینکار می توانست به جنگ دیگری میزگرود. کینه نهادن بزرگ خود "تئوری عمومی اشتغال، بهره دپول" (۱۹۴۶) که در دانش به (J.B. Say)

بحران بزرگ نرسیده شده بود، قانون مربوط به شران با بقیت سه (نظریه نسبی مینا برای که هر عرضای تقاضای مناسب خود را بوجود می آورد) رای اعتبار کرد. در آثار اقتصادی دیکتاتور حاکم، برای تخفیف بار کوهی جدید به ما نیست بحران رضای حق و سرمایه داری داری که دولت (در برابر آن چه می توانست بکنند، میندول می گردید)

از نظر کینه کلید مبارزه با بحران این بود که دولت با دخالت خود با اندازه کافی تقاضای کثرت بوجود آورد و از این طریق اشتغال کامل <sup>آمین</sup> گردد. به گونه که پال کومتری ده سال پیش در سخنرانی خود در استامبول اشاره <sup>می کند</sup> (مقاله)

"پروزی سرمایه مان" - مانسکی ریویو ژوئی ۱۹۹۴) کینه هم چنین برای باور بود که برای یافتن سرمایه مانی (در اقتصاد)

چنان که در دهمی ۱۹۲۰ اتفاق افتاد به معنای پایان خودگردان سرمایه داری و تبدیل شرکت کار تولیدی به "حباب مان" در گرداب سفته بازی " خواهم بود. از این رو او خوان "مرگ رهنه خواران از راه کرم" بود. کینه

در برابر طغدادن "جهانی شدن" آن دوران موافق با چهارزدن بر تجارت آزاد و تأجیدی خودکفائی ملی بود. او یکی از طراحان اصل سیستم برتون وودز بود، سیستمی که برار تثبیت تجارت و بازارهای جهانی از طریق برقراری

"قرارداد تعرفه و تجارت <sup>عمومی</sup>" (GATT)، صندوق بین المللی پول (IMF) و بانک جهانی طراحی شده بود.

عموماً معتقد به این است که سیاست اقتصادی کینه جامع را بسوی سویال دموکراسی دولت رفاه، به سانه

نتیجه کار خودگردان سرمایه داری همچون می رشت. به نظر من به که چنین سیاسی، نوعی جنبش اصلاحی را

پیش بینی می کرد که پایه در سازش <sup>سیاسی</sup> میان کار و سرمایه داشت.

در ابتدای بحران بزرگ ، در سال ۱۹۲۰ ، کنیز رساله‌ای زیر عنوان " امکانات اقتصادی برای نوبل ما " نوشت که در آن اعلام میگردید : معضل اقتصادی سرمایه داری یعنی تأمین حد آبی معیشت برای تمام مردم جوامع گردیده ، در صد سال آینه حل نخواهد شد . در این صورت سئوال این خواهد بود که مردم با وقت صرف و سعی زحمت خود چه کنند چرا که ساعات کار به سرعت در روز و ۱۵ ساعت در هفته کاهش خواهد یافت . او ادعا میکرد که در این هنگام نوعی است نوعی معیار جدیدی بوجود آید که جامعه را " از دالان تاریک نیاز اقتصادی ببردن آورد و به روشنائی ببرد " . و پیش از رسیدن به آن ( نسبت محدود) حیوان ناعاقل است از معیار جدیدی بیگانه شده ای پیروی کند که طبق آن " بعضی چیزها زشت و فساد چیزی سفافند است " ، یعنی جامعه‌ای بر پایه آزمندی دستار این از این بخاطر بنای سرمایه .

شواهدی که در این هنگام در دانشگاه کمبرلند داده می‌گردد و مخالف کنیز نظریات او بود . او اظهار این نظریه بود که جوهر سرمایه داریست به " سرمایه دار فردگرا " است ، و تأکید داشت که ریشه هر چه میراث اقتصادی گریه امری اجتناب ناپذیر است اما مغز به سقوط بنای سرمایه داری خواهد شد . او مخالف نظریه امکان بحران اقتصادی اقتصادی در نظام سرمایه داری بود و بر آن بود که بحران عمیق اقتصادی دهه‌ی ۱۹۲۰ را با تئوری چرخه‌های اقتصادی طولانی - چرخه‌های سیاه سه‌گانه گذرانید - توجه کند . از نظر شواهد هیچ چیز زننده‌تر از این دیدگاه اونی‌عینی - اقتصاددان برجسته دانشگاه کمبرلند و طرفدار کنیز - نبود که گرایش عمومی سرمایه داری به دلالت برستی و اقتصادی نظام نسبی برگردد است . شواهدی برای ماور بود که ملکوت نظام سرمایه داری [نه در صورت اقتصادی آن بلکه] در ملکوت مربوط به جامعه‌شناسی است : از میان رفتن شرایط لازم بپردنی بر سرآینه آزادانه مخالفت سرمایه داران (فردگرا) . شواهد درصفا از اثر بزرگ خود " سرمایه داری ، سوسیالیسم و دموکراسی " (۱۹۴۲)

تحت عنوان " دیوار مرده حال روشی " توضیح میدهد چگونه " افتادن مالکیت برت سرمایه داران غائب، غیر ملکی در  
 غیر فعال " همراه با "کلیت نه شدن پیشرفت" از وسیله رژیم سرمایه متمرکز، روحیه سرمایه گذاری کار آفرینی و  
 ابداع گر را از میان برده، وظیفه و مسئولیت حیات را به صفت گذشته و به همراه آن نظام سرمایه داری را به سقوط می کشاند.  
 استمداد دیگر شوپتر این بود که سرمایه داری به مثابه <sup>یک</sup> نظام اقتصادی آزادگرا مخالف امپریالیسم، یعنی نظامی است  
 که در زمان معاصر همچون گذشته با گسترش بیش حقیقتاً - و از جهت اقتصادی با ظهور شرکت های کارکنان بزرگ - وجود آمده است.  
 در کتاب "جامعه شناسی امپریالیسم" ( ۱۹۱۹ ) شوپتر می نویسد: " سرمایه داری بنا بر سرشت خود مخالف امپریالیسم است  
 ... [ بنا بر این ] گرایش امپریالیستی کونز را نباید ناشی از خود سرمایه داری بدانیم بلکه آنها را فقط به عنوان عناصری  
 بگماند [ نسبت به سیستم ] که از دنیا برودن نظام به درون آن نفوذ کرده و در دوران مدرن مورد حمایت افراد غیر سرمایه دار  
 است در نظر بگیریم "

نه جان بیارد کینز و نه شوپتر هیچ یک آنقدر ساده لوح نبودند که تصور کنند سرمایه داری طبق منطق درونی خود و  
 بدون هیچ محدودیتی میتواند به پیشرفت خود ادامه دهد - برعکس طغیان فاشیست بازار خودگردان که در این دوره غایب  
 کونز جایگزین جنبه های سرمایه داری خودگرا شده و منسوب به فردیست <sup>فنی</sup> ( F.V. Hayek ) و شوپتر امپریالیسم  
 معاصر است. به گفته شوپتر " هیچ نظام اجتماعی نیست که اگر به آن اجازه داده شود اموری را طبق منطق درونی  
 خویش رکن و خلق کند، بتواند به حیات خود ادامه دهد. تنها کافی است به سرمایه کونز نظر کنیم. هیچ مؤسسه ای  
 هیچ صنعتی یا هیچ کوهی وجود ندارد که اگر به آن اجازه داده شود، بتواند تحت قوانین درونی اش به حیات خود  
 ادامه دهد " ① این مسنده در مورد سرمایه داری در کلیت خود نیز صدق می کند - این نظام اگر به است قوانین درونی اش  
 سپرده شود، منطق اقتصادی خود را چنان بطور محدود کننده بر همه چیز تحمیل خواهد کرد که عناصر فزاینده اجتماعی را -

- که ادره نظام بدون وجود آنها امکان پذیر نیست - متزلزل خواهد کرد . طبق دیدگاه برهمنانه شوپتر سرزشت سرمایه داری  
 این خواهد بود که از این طریق همیشه به ریشه خود زند ، چرا که هر کوششی در تنظیم آن بر اساس تداوم دانش از دست خویش  
 به همان سرزشت ختم خواهد شد ، سرزشتی که الزاماً همیشه تکریم خواهد بود . نتیجه گیری شوپتر این بود که سرمایه داری بحالت  
 نخواهد ایست . باین وجه او هم با اندازه گیری برخی از سرمایه داری را که به عنوان سرمایه داری خردگرا درک می شد زبونی کرد .  
 البته باید گفت که چنانچه سازی جدید در باره سرمایه داری خردگرا صرفاً از مغز این در اقتصاد دان تراوش نکرد ،  
 بلکه بازتاب روحیه دوران سرمایه داری بازسازی شده - زیر رهبری ایالات متحده یعنی کوری بود که از جنب جهان ۴۴  
 نه تنها دست نخورده بیرون آمد و ۵۰ درصد تولید جهان ، ۶۰ درصد صنایع جهان را در اختیار داشت بلکه پول رایج آن  
 ( دلار ) ارزش طلبد داشت و بر سطح مبتدیان نیز بحضار مطلق داشت . این طور بنظر می رسد که ایالات متحده یعنی این  
 قدرتمندترین نیروی اقتصادی ، سیاسی و نظامی بعد از جنگ ، چنین سرمایه داری خردگرا را غاصبانه می کند . بر پایه نظام  
 بر تون دودن بر اساس تنظیم امور تجاری دمان جهان و تعیین نیویورک به عنوان مقر سازمان ملل متحد ، و عدم یقینی سرمایه داری  
 متفاوت و با ثبات را می آید . بر حوزد نسبتاً بلدم امریکا به کشورها بر مبنای استقلال شده اسلمان و ژاپن ، بر آه انداختن  
 بر نامه مارشال بودرنگ به اردیای غربی و بازسازی اقتصاد آن کشورها بنظر می رسد که نشانه اهداف هر خواننده  
 قدرت جهان تازه است . امریکا ، اتحادیه آتد ننتیک را برپا داشت و ذوات از آن اتحادیه میان نزدیکان سرگانه  
 ایالات متحده ، اروپا و ژاپن بوجود آورد . در اروپا غربی سوسیال دموکراسی در سرکشی ظاهر آ راحت  
 و متعاقباً تحکیم بخش با سرمایه ، سکوناً گردید . گسترش هست رفاه ، خادوش نگر سرمایه داری سازمان یافته  
 نوی گردید .

تعداد اردو و ژاپنی به سرعت بازسازی شد. ریشه اقتصادی سریع، آغاز از عصر طلایی جدیدی گردید که یاد آور  
 بهترین سال در دوران جوانی سرمایه داری بود. استعمار اروپایی در برابر جنبش مارکسیست استعماری و انقلاب "چین لاهوت"  
 عقب نشست. دولت امریکایی که خود را به عنوان نیروی ضد استعماری معرفی کرد بود، رهبری فوجی امپراتوری توسعه بری  
 کشورها را بر عهده گرفت.

در خود ایالات متحده برابر تعریف ادوین اقتصاد رقابتی صورت پذیرفت ضد استعماری آغاز گردید. تنظیم وقتی سیاست های  
 عالی دولت بعنوان عوامل کلیدی مدیریت اقتصاد کشور شناخته شد. اندکی پیش از مرگ وی از جنبش جوانان ام  
 اقتصاد دانان برجسته امریکایی از جمله پال ساموئلسون ( P. Samuelson ) برنده جایزه نوبل اقتصاد  
 پایان چرخه استعماری را اعلام داشتند. خبرگان در امریکای بری توضیح عصر جدید بری با اصطلاح جز خواننده  
 امریکایی اصطلاح " Pax Americana " ( صلح به نفع امریکایی ) را برگزیدند. گاه نیز آن را

" قرن امریکایی " خوانند <sup>علی</sup> که جهانی در سرانجام این نظام سرمایه داری خود را کارآ را جشن گرفته است.  
 همی این رویداد در فشار جنگ سرد، همراه با هم جنبش گرم در آسیا ( جنگ کره و ویتنام ) صورت می گرفت  
 در امریکایی <sup>شاید</sup> حکومت با بخش همکاری با هم روش سده می کردن اتحاد میان کارگران، طغیان و خونریزی و  
 زارعین خود پای امریکایی که در زمان نیودیل بوجود آمده بود بیدار می کرد. اچ. هودرست میوز ( H.S. Hughes )

مورخ و تعداد زنی در تقاضای زیر عنوان " ساله ای برای زمان ما " ( ۱۹۵۱ ) ایالات متحده را بخاطر  
 " نرم جدید " ، " بی زنی جدید " خواند. طرف او از این کار تأکید بر ماهیت می فضا کار، مذهبی و تعصب آمر  
 امپراتوری جدید و نیز بیان ای دیدگاه بود که ایالات متحده به خوبی با یکی مدنی در حال فزونی تبدیل شده است.

دانشجوی آغاز به وفات در گذار هر سر جهان کرد و برای حمایت و سرپا نهادن بر زمین هر دو یکا توری که ادعا میکرد  
 پاسداران "مهمان آزاد" هستند ، معونه این را بجا که در خون کشید . اما چیزی این عمل در این توری  
 عتاب و حکم آن روز به عنوان دفاع لازم از بدن جدید سرمایه داری خود را - دند تأیید مجدد سرمایه داری  
 اسپریستی نوع قدیم - توجیه می کردید .

طبیعتاً چیزی اقتصاد دانان ستیم نظریه سرمایه داری خود گردی جدید نشاند . نقد این نظام بویژه در میان  
 طغیان در دیدگاه مارکسی توی بود . یکی از دیدگاه های مخالف ، برخاسته از گریسی بود که اغلب نظریه سرمایه داری  
 بجناری خوانده شده . و با نام پیل باران ( P. BARAN ) و پیل سوئیزی ( P. Sweezy ) در مجله

مانتی ریویو در ایالات متحده مشخص می شود . تا این نظریه خود ریشه در نقد اقتصادی داشت که توسط مایکل کالکی  
 ( M. Kalecki ) و جوزف استایندل ( J. Steindl ) در اروپا مطرح شده بود . کتاب "سرمایه بجناری"

باران و سوئیزی در سال ۱۹۶۶ یعنی اوج عصر طلایی بعد از جنگ دوم جهان بچاپ رسید . در این کتاب استدلالتی است  
 که تنگنا را بعد از جنگ نه نشانی ظهور تومی سرمایه داری خود گرا تر و سازمان یافته تر بلکه حصول یک سلسله حکومت  
 ویژه و گسترده است که باید در خارج بیاوریم تا رنجی گسترده آری کفیل شود . بنظر باران و سوئیزی ، گرایش معمول سرمایه داری

در مرحله بجناری ، رکود و گون در اثر ناتوانی آن در جذب سرمایه های عظیم صانع موجود و بالقوه ای است که در اختیار  
 دارد . اگر گرایش سرمایه داری بجناری بسوی رکود است ، آنچه باید توضیح داده شود ، نه رکود اقتصادی بلکه تنگنا  
 در رسته اقتصادی است . از این رو باران و سوئیزی توجه خود را به عوامل و نیروهای معطوف نمودند که حصول رکود را در

قتصاد سرمایه داری را سرپا نگه میدارست . برخی از این عوامل کائمه گذرا بودند . از جمله :

(۱) - پول نقد عظیمی در چین جنبه جهانی جای آنکه صرف خرید کالاهای مصرفی شود ، ذخیره گردید و بدون قصد

بهدار جنبه ، پس آنجا بود که کالاهای مصرفی روانی شده .

(۲) - سوچ هم و عظیم نفوذ انجمن در ایالات متحده که همراه با گسترش خود هرگز در معنی سبک دست همراهی

سرپرستی بود و موجب رونق کم سابقه صنایع فولاد ، رشته سازی و الکتریک سازی گردید .

(۳) - بازسازی اقتصادی (خرابی ارزش) در اروپا و ژاپن بعد از جنگ .

(۴) - ثبات وجود آمده در اثر بزرگی بود منابع ایالات متحده در اقتصاد جهانی و سروری مطلق دلار در این اقتصاد .

تا حدودی بر این عوامل گذرا ، تغییرات اقتصادی در ایالات متحده و نیز در سوره عملکرد سرمایه داری (پوتو) در

امریکا بوجود آمد . از جمله :

(۵) - پیچیده آمدن منابع عظیم در حال صعود نظامی در ایالات متحده که در ابتدا توسط سابقه سلطنتی

دوران جنگ بود که می شد آن ظرف اصطلاحی حفظ نظام امپریالیستی بود .

(۶) - گسترش پدیده جدید "تلاش برای فروش بیشتر کالا" - یا عبارتی ظهور اقتصادی بر پایه مصرف گران

هر چه بیشتر به تک تبلیغات تجاری شدید و توسعه سیستم اعتبار و زیر بار آشنایی مردم .

(۷) - ظهور رونق بار مالی جدید و از نظر کیفی متفاوتی که تا حد زیادی مستقل از زیر بنای تولیدی اقتصاد

سرمایه داری عمل می کرد و منجر به نوعی رشته ناگهانی بازار مالی گردید .

از دید باران و کوشی، رژیم جدید بنیاد سرمایه بر حذف فئدی سرمایه داری خودگرا اتفاقاً نظامی  
 غیر خودگرا (Irrational system) است. (عنوان فصل اول کتاب "سرمایه خصاری" همین بود) . در  
 سرمایه داری خصاری <sup>بسیار کمی</sup> - و یا هیچ یک - از درون کار که بسط کننده روش پیر با سرمایه داری خودگرا  
 همراه بود بعبارة قندیست. حذف امپریالیستی سرمایه داری کلاسیک نافته بود، برعکس، میلیتاریسم و امپریالیسم  
 سرشته در بنیاد فئدی مارکس و لنین آن بیش از هر زمان دیگر و همچنین در فئدی مارکس و لنین بود. سلسله  
 برتری ایالات متحده فقط از طریق برابری انداختن عقب در آسیا و دیگر نقاط جهان حفظ می شد. با نابود  
 تمام عناصر مؤثر از رکنهای افزایش مخارج غیر نظامی توسط دولت و تنظیم دقیق اقتصاد از طریق گرفتن پول و مانع -  
 مشخصه سرمایه گیزی - برای مقابله با رکود اقتصادی کلاسه ناکافی بود. دولت رفاه که طرفداران گسترده وسیع  
 آن را جشن گرفته بودند در میانه فترت و با بنیاد تری کور سرمایه داری یعنی ایالات متحده با مقاومت شدید سرمایه داری  
 بزرگ روبرو بود. آنچه به عنوان موفقیت در ایجاد ریشه اقتصادی دنیای ثقی می گردید چیزی نبود جز حاصل  
 سربلندی تاریخی گوزرا و حوالی برانگیزنده اقتصادی سطح. سرمایه گیزان مبتکر شو پیترو در مرکز نظام قرار داشت؛  
 حتی آن را سرکس مارکسول آس و خصاری گرفته بود. اصل بهره و سببان محدود سرمایه داری - یا نظام مبارزه از پیش  
 برابر - تحت سربلندی <sup>صفت</sup> که اری خصاری و کنترل اولیه تقریباً بطور کامل از رژیم فرودست بود. خصاری سرمایه داری  
 هنگام پائین افتادن میزان تقاضا در جامعه جهانی پائین آوردن مبارزه کلاسه، با معطل کردن بخشی از کارخانه ها و از  
 کار انداختن پائین و در نتیجه با وجود آوردن مازاد منفی، میزان سود خود را با لگنه می کشید. حذف  
 پیش بینی کننده بین برکاش استوار مزدبگیران و فزاینده اوقات بزرگت آنها، درست برعکس هم استوار و

ساعت کار افزایش یافته است . در همین حال ادوات فراغت نیز فقط وسیله‌ای دیگر برای استراحت است - سرگرمی

انفعال و مغز نشو - که در آن تحکیم نظام اقتصادی است که با وجود برقراری از ظرفیت تولیدی محکم خود ،

قادر نیست اعراضه در این بنا تغییر پرهنده‌ای پیدا کند و یا کارگران را از زندگی که در آن گرفتارند رها کند .

در مرکز تحمیل باران دسوتزی این دیدگاه وجود دارد که سیستم سرمایه‌داری انحصاری برغم تمام وسائل محکم و غیر خودگردانی که

بر ارض و تقویت خود نگاری برد می‌تواند بدون وجود بحران به حیات خود ادامه دهد و سرزدانی که موجب رکودی شوند

دائم نظام را به بحالت مجدد خود برمی‌گرداند . برکت بحران اقتصادی ( ۱۹۷۰ دهمی ) به دلیل بحران این بازار

بحران انرژی در اثر <sup>واکنش</sup> ~~واکنش~~ آتومیک به صدها میلیون به کشور عربی و فول بزرگ ایالات متحده برپا شد و در نتیجه این کشور

با رقابت کشورهای دیگر پیشتر پیدا کرد . تا کل اقتصاد جهانی امریکای محور استوار دیگری نباشد سده بود .

بحران اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ با شکست امریکای در ویتنام بازمی‌بیند و بحران بیشتری پیدا کرد . این جنب موجب عدم

سوازنه جدید در وضع دلار شده بود که خود منجر <sup>خروج</sup> ~~خروج~~ به اسفیل وارد دلار به خارج و ایجاد بازار عظیمی از دلار امر اردو پانگ گردید .

نتیجه‌ی آن پایان یافتن سیستم دلار و جدا شدن تعیین ارزش آن بر پایه طلا توسط نیکسون در سال ۱۹۷۱ بود .

شکست امریکای در ویتنام در همین حال توانایی این کشور را به ادامه‌ی استفاده از منابع جنگی این برادر سقط بر کشورها

در <sup>تاریخ</sup> ~~تاریخ~~ حرف صل مسکلت اقتصادی خود محدود می‌کرد .

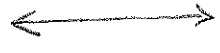
در ابتدای این بحران اقتصادی پال سوتزی به همراه هری مگدوف ( H. Magdoff ) ، سردبیر دیگر

میداننچ ریویو و نویسنده کتاب "عصر امپریالیسم" ( ۱۹۶۹ ) نه تنها بر تمام عوالم که قبلاً در کتاب "سرمایه انحصاری"

سطح شده بود تکیه کردند بلکه حتی همین از پیش تا کنه کردند که رکود اقتصادی ، حالت عادی سرمایه داری

انحصاری است بنابراین آنچه می‌بایست توضیح داد نمود نه خود رکود بلکه دلایل ریشه‌سریح [دهه‌های ۱۹۷۰ است

که گفته [ناچیز شده اند] این واقعیت که برغم تمام وسایل عینی که برابر سرمایه‌های اقتصادی به کار برده شده، رکود مبرم ظاهر گردیده نشانی عمیق اقتصاد موجود در نظام است. بنابراین بحران در چارچوب فشار موجود تغییرناپذیر است.



اکنون با گذشت چهارده از انتشار سرمایه‌های اقتصادی "تجدید عینی تواریخ" است که ارزیابی بحران در آسیا درست بوده است.

رشد سرانه تولید جهانی (تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی) در سال‌های ۱۹۷۰ است. آستانه را آستانه تراز دهمی ۱۹۶۰ بود.

استند به میانجی‌های فنی شد: این رشد در دهمی ۱۹۸۰ آستانه تراز دهم ۱۹۷۰؛ در دهمی ۱۹۹۰ آستانه تراز

دهمی ۱۹۸۰ و تا سال در دهمی ۲۰۰۰ آستانه تراز دهمی ۱۹۹۰ بوده است (مجموعاً گرد به "رکود جهانی" - مانعاً روی آوردن

۲۰۰۴). تجربه اقتصاد ایالات متحده و دیگر کشورهای توسعه‌یافته از این جهت شبیه کل اقتصاد جهانی است در گرفتار در رکود عینی گریزنا.

واکنش کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در برابر ظهور این دوران رکوداً تقویماً فوری، یکسان در نظر گرفته شده است و به ادوار

دهمی ۱۹۷۰ که می‌رسیم [این واکنش] هم در سطح دهم بین سطح معینی مجزای گردد. اگر سرمایه‌داری خود را (به

روایت کینز) چیزی بیش از یک سرباید ایدئولوژیک بود، مسلماً کوشش می‌شد برابر رویارویی با رکود و ضمیم موجود،

روش کینز درست کار موسسات دولتی را به شکل رادیکال‌تری پیاده‌کنند. اتخاذ چنین سیاستی چنانچه سطح

توزیع مجدد ثروت از طبقات بالا به طبقات پایین‌تر جاسد، گسترش دولت رفاه، ایجاد اشتغال کامل و امنیت

اقتصادی عمومی مجزای گرفت - چیزی که حتی لاه عبودت نوعی "برنامه مارشال جهانی" یعنی برنامه‌ای که

پس از آن کمک به چین سوم نیز بوده پیش‌بینی می‌شد. این واقعیت که هیچک از این برنامه‌ها حتی امکان نشد و

به محض که نرخ سود سرمایه‌ها رو به کاهش گذشت سیاست‌های کینزی را که این همه به رخ می‌کشیدند بی‌اثر گشتیم به ابرود

بیادوند کنار گذاشته خود با اندازه کافی گویاست.

مانگونه که جوس کولکو (J. Kolko) در کتاب خود "تجدید ساختار اقتصاد جهانی" (۱۹۸۹) می‌نویسد:

« سرمایه از طریق رسته تدریجی تجدید ساختاری باید دنده توسط «تدریجی» . آنچه به سرعت ظاهر شده گفتار اقتصاد عرضه گرا

( Supply side Economy ) بود که چیزی جز کوشش برای تعظیم منحنی عرضه سرمایه و کنار گذاشتن کل کوشش مارتین بر روی جابجایی و تنظیم نظام نیست . تا برسی در سالار دهی ۱۹۷۰ د ۱۹۸۰ ش هر ظهور انجمنی اصطلاحات بودیم که اکنون به گوئی و چشم همه است : تعصب اقتصادی ، تعدیل اقتصادی ، حذف مقررات دست و پاگیر ، خصوصی سازی ،

سیستم بازار آزاد ، جابجایی سدن و ( از دیدگاهی اقتصادی تر ) تولید انبساطی . هر دو اصطلاح تمام ای همه دست کاپیتالیست

مزد و مزایای کارگران ، مستعدگی کردن سازه های کارگری ، حذف حمایت ماز دولت به کارگران و کمک به رفع فقر و فقر  
حذف هرگونه مانعی از سرمایه و گسترش آزادی سرمایه ، توزیع مجدد درآمد و دردت با از طبقات پائینی به طبقات بالا و حذف

کردن جاده برای انجام چنین اقداماتی در هر هر جهان . سرمایه داری همان گسیخته در زمینه ماز بنیانی چون استقلال ،  
مهربانی ، آموزش ، باز نشانی ، درستی به غذا ، محیط زیست و غیره فقط کمالی پیدا کرد . فرجه جود در آن سرمایه داری

که با نام مستفردی چون کینز و شو پیتر - در این از آنها با نام جود شانس معروف ماکس وبر که سرمایه داری را بصورت  
« تعدیل گر فرد گرایی » « غریب غریب فرد گرا » توصیف کرده بود - پیوند داشت گوئی که تا ناگاه بصورت خاطره ای

مکتب در آمده است . (۴)

برغم تداوم اکت اقتصادکی سرمایه داری ، بت برکتی بازار در دهی کار چتر جابجایی که در یکبارگی رود از آنس یافت

از آنجا که نرخ رسته سرمایه داری کلاسه پائینی تر از دوران به فاصله بعد از جنگ بود ، به دلیل آن که سازماندهی بخش ماز

پائینی جامعه ( کارگران ) به مراتب ضعیف تر از پیش بود ، نظام سرمایه متوسل به سئوه استوار گرانه هر چه شدید تر شده ،

با این پیاده که گرچه به بالا بودن ثروت جامعه کللی <sup>رسته</sup> اما ثروت کثرت با لای جامعه بسیار از آنس یافت .

خودگردانی

در نگاه کار حکم یعنی ایدئولوژی طبقه حاکمه در مبنی رستاخیز هست داد . بارش باور مجدد به ~~خودگردانی~~ مسیسم ، یکباره  
فرد یک فن تا یک به مقامی بالا تر از کنیز ارتقا داده است .

نه تنها سرمایه داری خام هر باره ظاهر شد بلکه پس از فروپاشی شوروی سرمایه داری غربی ناگهان حالت نهایی  
بجز گرفت و ایالات متحده با استفاده از خلد و ناپدید شدن شوروی کوشش کرد نه تنها سلسله مجدد جهان خود را برقرار  
کند بلکه آن را گسترش دهد . اگر از دید شوپنر امپریالیسم فقط محصول زحمی مانی ~~جنگ~~ <sup>دوره جزئی از</sup> ~~جنگ~~ <sup>محصلا</sup> ~~جنگ~~ <sup>دوره</sup> ذاتی سرمایه داری  
است ، واقعیت امروز نشان میدهد که ~~جنگ~~ <sup>تاریخ</sup> ( میان مانی ~~جنگ~~ <sup>و محضار</sup> ) یا نابریوط و یا کالده دروغین است . قدرتمندتری

کشور نظام سرمایه داری جهانی یعنی ایالات متحده ، کشوری که ادعا دارد منطق این نظام را به بهترین شکل نمایندگی کند ، این نظام را  
امپراتری ای در پیش گرفته است که طبق این معنیم است سلطه بعد منازع خود را از طریق کاربرد زور نظامی حفظ کند و تا  
به سرمایه پیشرفته است که این معنیم خود را در سنده " امپراتری امنیت ملی ایالات متحده " که در سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر  
است به تمام دنیا معلوم کرد . هم زمان با معلوم این برنامه ، طبق جنگ را برابر صلح به عرفی یعنی کشوری که با احتمال زیاد

دارای بزرگترین مخازن نیرو بوداری شده نفت و اذای نو دارا بزرگترین امکان برای گسترش تولید نفت است ،  
به جهانی بی پایه دفاع در برابر سلاح های گسترده جمعی به صدا در آورده . بعدیم صلح به عرفی صورت گرفت و منجر به اشغال  
نظامی و ادغامی جنگ دراز مدت شد . در این مورد ، بحالی قدرت توسط جبهه خود گردید . اکنون می بایست از امپراتری  
تجسین کرد . صورت تدریجی سال ۲۰۰۱ بخش بزرگی از جهان را تبدیل به لانه مسمی بپرورش کرد که حال ایالات متحده  
در "سنگ" با کشورها کوچکتری که هنوز به قبول تابعیت از او بودند تسخیر نمود .

اگرچه جهانی موجب گردید که نظام حاکم برای یافتن مغزی جهت کارانه ارضی سرمایه دار جهانی اش اقتصاد کارمنوی  
(تقاضای) بوجود آورد . جابر ~~یک~~ <sup>که</sup> طبق دیدگاه کنیز = رنیت خواران به " مرگ از راه ترکم " دچار شده در

میشرفه ترین کشور سرمایه داری شامه اول نسبی تولید و تابع شدن آن به سرمایه مارکالی بودیم . این پدیده گزیده معلول  
 رکود اقتصادی و نه علت آن بوده است اما بحث نوعی دگرگونی واقعی به صورت عقبه سرمایه ماله و نظامی بنیانات تر  
 و کنترل نابرابر تر گردیده است . به نظر که پال سوئیزی در مقاله "پروزی سرمایه ماله" است را می کند : "پیش از  
 این هیچ کس از عهد کینه حتی خواش را هم نمی دید که سرمایه مارک سفید باز ، سرمایه ماله که به قدمت خود نظام سرمایه اند ،  
 به چنان رشی رسد که بر اقتصاد ملی - چه رسد به اقتصاد کل جهان - عقبه پدید آید . اما اکنون چنین شده است ."

طبق دیدگاه سوئیزی یکی از پیامد مارکالی پدیده انتقال قدرت تعیین گیری از دست پرستی اقتصاد عول آسا به بازار ماله  
 (اول سترت) بوده است (جای که البته خود اقتصاد نقش عمده ای در گرداندن آن دارند) . دولت مارکالی  
 نیز بطور فزاینده ای اسپر بازار ماله شده اند . از این رو بقول سوئیزی "دست نامری آدمی است ، به شکل  
 صوری و با قدرتی مضاعف دارد بر می گردد . پیامد این پدیده ، البته ، نه ظهور نوعی سرمایه داری خردگرا که عقبه  
 سرمایه داری بزرگ خردگرا تر می بود . اکنون دست نامری سرمایه مارکالی است که به مشابه زائده سرمایه داری اقتصادی  
 در جهان شده دور جهان میگردند ."

این صید دیگری رکود اقتصادی و انفجار سرمایه مارکالی ، دیدگاه بوده اند که در آن سرمایه در مورد محیط زیست جهان  
 شکل انگلی تر و در میان بار ترکی بگذراند است . نظام بنیاست ، زیر سطره سرمایه داری اقتصادی در جهان شده ، با غلبه  
 اهداف مواد ورسته نابرابری به فزاینده مارکالی و سبب گره زدن است لطمه میزند . گرم شدن فضای طرف  
 گره زدن نه تنها در سال ۱۹۸۰ به عنوان دشمن ترین پدیده تاکنون موجود علیه محیط زیست نظام گردید ، بلکه  
 این مشکل به سرعت رو به وخامت رفته است . پیش بینی از این حرات توسط جهان در حد محدودی که جامعه بتواند  
 به آسان خرد با آن سازش دهد ، اکنون ضعیف غیر محتمل بنظر می رسد . از این حرات توسط جهان به میزان

دو درجه سانتیگراد ( ۳۶ درجه فارنهایت ) نسبت به سطح دوران مابقی صفتی - افزایشی که بجز سرمایه جهان را به مرز خارج <sup>برساند</sup> ~~کشور~~ ببردی مثل توقف نابودی خود خواهد گرفت . بعدوه ، گرم شدن کنترل نابودی فضا در اثر پدیده انبساط بدلیل کاهش ظرفیت جذب کاربن توسط اقیانوس ها و جنگلها - که خود زائیده گرم شدن فضا است - موجب پراکنش دانشندان گردیده است . بیخود اگر طبیعی قلب جنوب در حال ذوب شدن است و طاقچه‌های در حال نازک شدن در این سوجب با هر وقتی سطح دریاها خواهد شد . کل نظام زستی زمین در حال انقراض است . انواع حیوانات و گیاهان طوری در حال نابودی است که در کاخ سیدون سال گذشته ساجده مشاهده است . کجود آب شیرین در سطح جهان تهید کنده است . سمومیت خاک زمین در حال افزایش است . اکنون مایه شده است که تنظیم خودگردان محیط زیست تحت نظام سرمایه داری خواب و خیال خطرناک <sup>پیش</sup> ~~کشور~~ است . همی این پیاده ها و حتی بدتر از آن را می توان به نظر داشت . عده برای جابر هرگونه کوشش فعال برای توقف صفتی این <sup>افزایش</sup> ~~کشور~~ ، اکنون در عصر جهان شدن نو لیبرال به ما گفته می شود که هرگونه کوششی در این راه بهیوده است . شاید این هم خود داری از <sup>امضای</sup> ~~کشور~~ پردر توکی کیوتو است . جای آن از ما میخوانند که برای حفظ محیط زیست به معجزه بازار تکیه کنیم . و از جامعه سرمایه داری که در ذات آن منطقی جز انبساط سرمایه وجود ندارد ، نمی توان انتظار چینی معجزه ای را داشت .

همی این وضعیت ، انتظارات کمتر را مبنی بر اینکه مشکلات اقتصادی ( <sup>مسائل مادی</sup> ~~کشور~~ بطور عام ) را می توان در عرض یکصد سال حل کرد ، بر باد میدهم . از یک سو مشکلات اقتصادی - وجود کسوف و نابرابری - در اثر عملکرد خود سرمایه داری تمام پیدا کرده و از جهات بسیاری و هم تر شده اند . از سوی دیگر تقاضا به اینکه " فادامنتالست " معجزه نیاه شدن سریع شرایط مادی استی جامعه گردیده است . همانگونه که جارد دایموند ( J. Diamond ) در کتاب جدید خود " فروپاشی " می نویسد ، فکر کردن به امکان فروپاشی شرایط زستی جامعه سرمایه داری <sup>بسیار</sup> ~~کشور~~ ، بسیار شبیه فروپاشی پیشین تمدنها اکنون منطقی بجز سرمایه .



او میباید بر می کردن صنایع و افزایش آنها با وجود منی لغت سرمایه با او به سرعت از هم فرو پاشید . میدان در ضمن فقط چند سال  
 در حالیکه هنوز در رأس دولت فرانسه بود به سیاست کارنو لیرال برگشت . شرکت میزبان به عنوان شرکت سوسیالیسم تقوی  
 شد ، در حالیکه شرکت اون نهی وجود موافقی بود که پس از سپری شدن دوره شکوفائی پیرار جفک و بازگشت سرمایه داری  
عنان گینته ، بر سر راه سوسیالی دموکراسی وجود آمد . سیاست چپ بدون تکیه بر هیچ توده ای و پشتیبانی قدرت مردم ،  
 به یاد کردن همه عاقل خودگرای میخوان با سرمایه داری خودگرا تکیه کرده بود . در حالیکه خصما برای آنگونه صلوات بر سرش  
 که قابل پیرویش برابر سیستمیم باشد نزدیک به صفر رسیده بود .

فروپاشی بلوک شوروی اوضاع را از این جهت وحشی تر کرد که این معنا که دیگر ظاهر هیچ مانعی بر سر راه جوانان شدن  
 سرمایه وجود داشت و سیستم چپ دنیا می دید که خود را در لباسی همیشه عرضه کند . از آغاز دهه ۱۹۹۰ ، جوانان شاه  
 گروسی بسیار چشمگیر بوی سرمایه داری عربان و بی رحم بودند ، چه از جهت رفتار با کارگران و چه تسوط بر آن  
 که در سیستم جهانی از همه ضعیف ترند . به دنبال پیروزی سرمایه داری (جنگ سرد) ، هم مبارزه طبقات علیه کارگران از بالا  
 و هم سیاستگر ایمپریالیستی علیه دیگر کشورها شرت گرفت .

ایستاد هنوز همه چیز از دست نرفته است . اروپا هنوز به تازگی از جهت رفاه دموکراسی دموکراسی را حفظ کرده است .  
 اما این دست آورد های تاریخی طبقه کارگر در رویارویی با هجوم لیبرالیسم به سرعت در حال تحلیل رفتن است . با گسترش اتحادیه  
 اروپا ، کشورهای که به آن می پیوندند ، از جدب ترکیب ، هنوز برای تصورند که دارند به نظام سرمایه داری خودگرا تکیه  
 می پیوندند ، نظامی که سوسیالی دموکراسی نزدی نقدی گفته است . در حالیکه خود اتحادیه اروپا به سرعت  
 در حال گریختن به سوی دیگر است : به سمت سرمایه داری عنان گینته . چپ می آوردن یک استواری بر پایه پیوستن

به سویال دعوای اردو پای چیزی نیست جز اتخاذ آئینی که جذبه اش را از دست داده و توسل به جوره گمان است که در  
 حتی بطور وقت هم اجرائی نیست و نتیجی آن لاجرم سر خوردگی خواهد بود . تعدادم بگیر سکون قصادی ، اتخاذ راه میان  
 ( "راه سوم" پیشنهادی در چنگیس ) را ناممکن گفته است . راه سوم چیزی نیست جز سستی گفته شده . بیاد کردن تولید اسم  
 سویال دعوای به عنوان سیاق فردگرا برای سرمایه داری فردگرا ، به سبب عیان گسیخته سرمایه داری در صورت سرمایه داری  
 عیان گسیخته تقریبی شده است .

نتیجه گیری هرگاه از این بحث این است که در هر حال برابر سبب کار فردگرا در عوارض منطبق سرمایه با آن فاعله است  
 ثابت شده است که نظریه به چیزی غیر از این ، خواب و خیال نیست . با وجود این به همان اندازه انگار است  
 که سرمایه داری ظرفیت آنچه را که سبب فردگرای است تقبی می شود نیز ندارد . با برکت به سکون قصادی در بازار  
 "تقریب رضایی" تولید برآورد و جذب شده ، سبب محافظه کار "سرمایه داری بازار آزاد" نیز فقط به برداشتن هر چیزی از  
 سرمایه بنای سرمایه تعیین داده شده است . نتیجه این امر ، کالا شدن <sup>عام</sup> جنبه امر حیات جهانی و فرهنگی جامعه است که

لاجران عمیق در خانواده لا ربط مردم و جامعه گردیده است . مضافاً این که سکون قصادی نظام سرمایه ادم دارد و آنکه  
 راه در فضی بر این جوان شامه کرد . و این وضع کارشناس هر چه بیشتر زیر دست جهانی حافظ آن در نتیجه قربانی کردن  
 هر چه بیشتر این را می طلبد . همانگونه که شوپتر تا کیه دست بیخ نظام قصادی ، جوهر سرمایه داری اگر به آن اجازه  
 داده شود از منطقی خود بطور مهار گسیخته تبعیت کند . همان ندارد بخواهد به حاکم ادم دم در پایان از همین خواهد بود  
 نظریه "سرمایه داری بازار آزاد" تخمیناً خطرناک در دوران شدت گیری سلف طبقات ، بحصار ، سفته بازی ، سبب اسم  
 (جنبه فردزی) و امپریسم است . سبب فردگرا را می نامد فاعله هر گونه پایه عقلی و مادی است بطور فراموشی

به فریبک و حیله در بریت عربان تبدیل شده است : اوج گیری دوباره نژاد پرستی عربان ، جنگ ، سلطه جویانه امپریالیستی ، تبعیض جنسی و بنیادگرانه مذهبی . چنین جامعه‌ای که در دام سکون اقتصادی گرفتار است از بحال خود را می‌شود تا به سیر فتراتی اش ادامه دهد ، سرانجام خود و هر آنچه را که در دسترس آن است به نابودی خواهد کشید ، آن هم نه کماط

خودپاشی اقتصادی بلکه به علت کشیدگی بریت در معاصی جهانی .

این مسئله ما را به این حقیقت بنیان برمی گرداند که ممکن نیست همانا سرمایه‌داری است . تنها راه حل نیز ،

راه حل هم فکر کردن به آن در شرایط حاضر ممکن بنظر می‌رسد ، همانا سوسیالیسم است ؛ سوسیالیسم به مفهوم جنبش سوسیالیستی ای

که همیشه مورد نظر بوده است : جنبشی انقلابی ، دموکراتیک ، برابرطلب و طرفدار محیط زیست ؛ جنبشی که شرط لازم آن

شایستگی بوده ، سرانجام رسیدن به چنین جامعه‌ای ممکن است . اما بنظر

دانیل سینگر "سهلگویی به معنای ناصحی نیست" (۴) اگر ما خواهان جهانی با ثبات ، عادلانه ، برابر خواه در تمام جزایر

باشیم ، دنیا که در آن "کفایت آزادانه هر فرد شرط کفایت آزادانه همگان باشد" ، به بل دردی نداریم ؟

قدم گذاشتن در راه طولانی رسیدن به سوسیالیسم ، مسیری که به کمک جنبش سوسیالیستی رسته یا بنده ای به پیش راننده کار خود

هم اکنون طلوع چنین جنبشی به چشم می‌خورد - از جنبش ضد جهانی شدن گرفته تا جوانان انقلابی جهان در سینه‌های پنهان

این روز و آن است که نژاد پرستی خود را وقت این جنبش صدمه کرده و سستی از آن را اعلام کنیم .

مصلحتی محیط

نویز درک

۱۵ آذر ۵۰۵

پانزدهم

1- Joseph Schumpeter: *The Economics and Sociology of Capitalism*  
 (Princeton University Press 1991) 194, 301 و *Capitalism, Socialism and Democracy*. (N.Y. Harper and Brothers, 1950) 131-42

کتاب شوپتر دربارهٔ اقتصاد در کتاب «چیز» اغلب به غلط بصورت «دفعه است» ادراک نمیشود. عادت شوپتر این بود که تا حد زیادی از بانیهای اقتصادی شرکتها بحث کند، و اینها را با عنوان «بازار» در کنار هم قرار میدهد. بنیان اجتماعی جامعه سرمایه داری می آید.

2- Max Weber: *The Protestant Ethic and The Spirit of Capitalism*  
 (New York, Charles Scribner's Sons, 1958), 17

3- Istvan Meszaros; *The Power of Ideology* (New York University Press, 1989), 63

4 - Daniel Singer; *Is Socialism Doomed?* (New York, Oxford University Press), 277